

رضوان الله
عليه

شرح حال مرحوم میرزای قمی

مسافرت میرزا به اصفهان و شیراز - میرزا پس از ورود به اصفهان چندی در مدرسه کاسه گران اقامت مینماید چون علمای طالب دنیا آثار علم و رشد را از او ملاحظه مینمایند، به او امانت مینمایند، و ناچار آن بزرگوار بشیراز مهاجرت مینماید در این زمان شیراز پایتخت کریمخان زند بوده و میرزا مدت ۲ یا سه سال در آن اقامت مینماید

بنا به نقل قصص العلماء در شیراز شیخ عبد المحسن و فرزندش شیخ مفید به میرزا کمک مینمودند و مبلغ هفتاد یا دویست تومان باو میدهند میرزا از شیراز به اصفهان حرکت مینماید و چون کتب لازم برای مطالعه نداشته مقداری کتاب اکتیاع مینماید و در این زمان کتاب، هرمن شاه (دومن تبریز) ده تومان بوده است. و چون عادت بر این جاری بوده که کفه متاع از کفه وزنه بایستی سنگین تر باشد معروف است کتاب روضة البهیة (لمعة دمشقیة) را بر بالای کفه کتب گذاشته و بایشان تسلیم مینمایند میرزا پس از ورود به اصفهان بطرف قلعه بابو حرکت مینماید و مجددا در آنجا اقامت نموده بتدریس اشتغال میورزد و در این زمان چند نفر در نزد او به تحصیل فقه و اصول میپرداختند ولی چون آنجا از علماء و فضلا خالی بوده و امر معاش نیز بر آن جناب تنگ بوده و مردم نیز در اثر عدم ادراک و تشخیص به آن بزرگوار اکتفا نمی نمودند لذا به بلده طیبیه قم مهاجرت مینماید اقامت میرزا رحمة الله علیه در قم - پس از ورود میرزا به قم اهالی قم مقدمش را گرامی داشته تقاضا نمودند که در قم اقامت نماید میرزا هم قبول نموده در قم رحل اقامت افکند میرزا پس از اقامت در قم و مجاورت بقعه منوره حضرت معصومه علیها السلام روز بروز شهرت یافته طلاب علم از هر جانب بسوی شتافته و از محضرش کسب فیض مینمودند. بقدری مورد احترام بوده که مقبولیت عامه یافته وصیت شهرتش در همه جا پیچیده و مرجع تقلید عموم گردیده است یکی از موثقین برای نگارنده نقل نمود که اهالی جاپلق و هم وطنان میرزا باز هم او را راحت نگذاشتند چنانکه چند نفر شبانه بخانه او آمده اظهار داشتند ما از ده آمده ایم و مسئله ای داریم آنجناب هم برسیره وعادت تواضعی که داشته امتناعی

نمود و مسئله ایشان را پرسید. گفتند که ما در ده در سر این موضوع دعوی داشتیم که نام مادر رستم (پهلوان مشهور شاهنامه) چه بوده چون هر کس چیزی میگفت آمده ایم که عقیده شما را بدانیم چیست میرزا. جواب داد این مسئله بمن ارتباطی ندارد هنوز هم شما مرا راحت نمیگذارید از دست شما به قم آمده باز هم از شر شما در امان نیستیم علم و فضل و زهد میرزا - صاحب اعیان الشیعه در باره او چنین نوشته :
کان عالما مجتهدا محققا مدققا فقیها اصولیا علامة رئیساً - میرزا من علماء دولة السلطان فتحعلیشاه القاجاری و اشتهر بین العلماء بالمحقق القمی و فی عباراته شیئی من الاغلاق و انفراد بعدة اقوال فی الاصول و الفقه عن المشهور کقوله بحجیة الظن المطلق و اجتماع الامر و النهی فی شیئی واحد شخصی و جواز القضاء للمقلد برای المجتهد و غیر ذلك و قد قیل فی حقه :
هو احداً کان الدین و العلماء الربانیین و الافاضل المحققین و کباراً المؤمنین و خلف المانی الصالحین کان من بحور العلم و اعلام الفقهاء المتبحرین طویل الباع کثیر الاطلاع حسن الطریقه معتدل السلیقه له غور فی الفقه و الاصول مع تحقیقات رائقه وله تبحر فی الحدیث و الرجال و التاریخ و الحکمة و الکلام كما ینظر کل ذلك من مصنفاته الجلیله هذا مع ورع و اجتهاد و زهد و سداد و تقوی و احتیاط و لاشک فی کونه من علماء آل محمد و فقهایهم المقتدین آثارهم و المهتدین بهداهم الی آخره .

صاحب روضات الجنات در باره او چنین مینویسد :
کان رحمه الله تعالی محققاً فی الاصول العربیه مدققاً فی المسائل النظریه مویداً من عند الله من بدوامه الی النهایه منتویاً الیه ریاسة الامامة باجود العنایة و احسن الکفایة و بالجمله لسان مولانا المیرزا اعلی الله تعالی مقامه اجل من ان یوصف بالبیان و التقرير و ادق من ان یعرف بالبنان و المتحریر الی آخره .

در اینجا چند جمله ترجمه از کلمات صاحب روضات الجنات نقل میشود،
میرزا رحمة الله علیه پارسائی جلیل و جامعی نبیل و مبتکری نحریر بود از علماء مقدم بزرگوار و ادیبی ماهر و خطیبی باهر بود روشی نیکو داشت و بسیار مهربان و زیاد با خشوع بود. اشکش روان و دائماً ریزان ، ناله اش فراوان رفتارش ملایم برخوردش نیکو و معاشرتش پسندیده و معاویره اش لطیف بود . دو قسم معروف خطرانی کو مینوشت چنانکه مکانیبی که بجد مینوشت و نزد ما موجود است شاهد بر این معنی است از جد و سعی او در تحصیل نوشته اند در زمانی که بتحصیل اشتغال داشت هنگام مطالعه چون خواب بر او مستولی میشد برای جلوگیری از غلبه خواب و تحدید آن در آخر شب چراغش را در زیر طاس و ظرفی میگذاشت سپس دست و پیشانی خود را بر آن ظرف مینهاد و میخواست بهمین اندازه که ظرف از حرارت چراغ

گرم میشد و دست و صورت او را آزرده می ساخت از خواب میجست و باز بطلالعاه مشغول میشد صاحب روضات الجنات مینویسد: این تلخی و مرارت عظیم را متحمل شد و مخالفه نفس وهوی نمود تا دین مبین را تائید نموده در راه حق مجاهده نمود و هم او در جلالت شان و فضل آن بزرگوار مینویسد: بزرگترین دشمن واقعی او (میرزا عبدالنبی النیشابوری مشهور به اخباری) که از او و اتباع و اولیانش به «بقاسمه» و از صاحب ریاض واصحاب او به «ازارقه» و از شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء و اقرانش به «امر به» تعبیر مینماید درباره او مینویسد: «فی رجاله الکبیر عند بلوغه الی ترجمه هذا التحریر: ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی اصلاً الجابلقی مولداً و منشا القمی جواراً فقیه اصولی، مجتهد مصوب له کتاب القوانین فی اصول الفقه و کتاب مرشد العوام فی الفقه بالفارسیة معاصر بروی عن شیخنا محمد باقر البهبهانی مع و لفظه (مع) عنده رمز معتبر الحدیث». صاحب روضات رحمة الله علیه پس از نقل کلام شیخ اخباری مذکور درباره مرحوم میرزا مینویسد! همین فخر و بزرگی و اعتبار برای او بس است که بزرگترین دشمنش اقرار مینماید که او معتبر الحدیث است و الفضل ما شهدت به الاعداء و در مقام تخطئه مرحوم میرزا زائد بر «مصوبه» بودن او نمی گوید و حال اینکه این خلاف واقع است و مصوب به عقیده ما کسی است که قائل به تعدد احکام واقعی الهی باشد بحسب تعدد آراء مجتهدین. مصوب آن کسی نیست که بگوید آنچه رای مجتهد بدان تعلق گرفت حکم ظاهری حق تعالی است درباره خود او و مقلدینش و چون خلاف آن معلوم و منکشف گردید آشکار میشود که حکم الله الواقعی نبوده اگر چه مجتهد در این امر مصیب است چون بقدر وسع و بر حسب تکلیف تفحص کرده است و عس و حرج در دین مبین اسلام نیست و ادله نقلی و عقلی قائم بر این معنی است که اعتقاد مجتهد نسبت به خود و مقلدینش حجیت دارد. این عقیده چه ربطی دارد به تصویب به معنی اول که از عقاید باطل عامه است هر اصول از فروغ بملاوه اینان مخالف قول خدا و رسول ص او هستند در هر فروع از اصول چنانکه بر ارباب خرد پوشیده نیست الی آخره

مشایخ و اساتید او - در بدو امر استاد میرزا، عالم جلیل و فقیه نبیل سید حسین خوانساری بوده سپس چنانکه اشاره شد در نزد استاد بلاتانی و مجدد شریعت غراء آقا محمد باقر بهبهانی رضوان الله تعالی علیه تلمذ اختیار نموده و با اجازه استاد مذکور از او روایت نموده است و همچنین از شیخ محمد مهدی الفتونی العاملی و آقا محمد باقر هزار جریبی نجفی روایت کرده است

شاگردان او - شیخ اسدالله شوهرتری صاحب کتاب مقابیس از او روایت نموده است چنانکه در مقدمه مقابیس بدان تصریح نموده همچنین سید محسن اعرجی صاحب کتاب المحصول از او روایت کرده است و عالم جلیل حاج محمد ابراهیم

... وطن

هنوزم بگردد از این هول حال
 که میرفت و میگفت سیر از جهان
 بچشم تو این خانه سنگ است و خشت
 چه ارزد ببیش تو یک مشت سیم
 بهر خشت از آن باشدم صد هزار
 نبینم که اندر نظر ناورم
 کشم رخت از آن چون من تیره بخت
 که باهم در این خانه بگذاشت رخت
 در این خانه ام بود ساز و سرور
 زد دیگر سرا چون کنم ساز گور

کرباسی نیز از او روایت کرده است چنانکه میرزا باو اجازه فتوی داده است و صاحب روضات رحمة الله علیه در ترجمه عالم من بورمینیوسد: ... الی حیث اذن له المیزرا رحمه الله ان یفتی بین الناس بما اراه الله بل امره بذلك مرارا وجدفی تصنیفه کتب الاحکام وکان فی سنی حیوته رحمه الله لا یغادر غالباً المهاجرة الیه بقم المبارکة مع ما یلیق من الهدایا و التحف و یروی عنده ایضا بالاجازه

همچنین از او روایت کرده اند سید محمد مهدی بن سید حسن بن سید حسین الموسوی آن جناب، دو فاضل محقق « سید محمد مهدی بن سید حسن بن سید حسین الموسوی الخوانساری صاحب رساله مبسوط و مشهور در احوال ابی بصیر » و سید علی بن سید ابوالقاسم بن سید حسن شارح کتاب درة بحر العلوم. صاحب روضات مینیوسد که: میرزا قدس سره عنایت زیادی باین دو شاگرد داشت و همچنین اعتماد و محبت شدیدی بایشان داشت و معتقد به فضل و تقدم ایشان بر سایر شاگردان امجدش بود به نحوی که این دو مثل گرامیترین اولاد او بودند و آن جناب به دیار ایشان زیاد مسافرت میکرد چون بآنان مانوس بود و در اعزاز و اکرام و بزرگ داشت ایشان میکوشید چنانکه اجتهاد ایشان را در پیش همگان گواهی کرده است و همچنین سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه از ایشان روایت کرده است